

سرمقاله

حفظ اعتماد مردم

محمد رضا هویدا

تشدید ناامنی ها در افغانستان، با گذشت هر روز وارد مرحله ای تازه می شود.

شماری از ولایات و ولسوالی های کشور در آتش جنگ و ناامنی می سوزند. ناامنی ها، امکان زندگی آرام را از مردم گرفته است. مردم در این بهار جز جنگ و خونریزی ندیده اند و هر روز خبری ناگوار از یک سوی کشور شنیده اند و کمتر گوش شان به خبرهای خوب عادت یافته است.

بحث از امنیت، بحثی نیست که در افغانستان جدید باشد. نکته مهم و حیاتی، ویژگی های جدیدی است که در جنگ های امسال دیده می شود.

اولین مسئله تغییر جغرافیای جنگ است. جنگ از جنوب به شمال کشیده شده و به شدت جریان دارد.

ولایات و ولسوالی های شمالی، این بار به میدان جنگ طالبان تبدیل شده اند. جالب این است که در هر منطقه صدها طالب داخلی و خارجی علیه دولت و مردم می جنگند. طبیعی است که همه این صدها نفر به اکمالات و انتقالات نیاز دارد. حجم عظیمی از فعالیت ها را می طلبد که از چشم دولت پنهان مانده است و بیا اینکه دولت توان مهار این همه فعالیت طالبان را ندارد.

تغییر جغرافیای جنگ، تنها به سوی شمال نیست. مرکز کشور نیز در خطر به بحران کشیده شدن قرار دارد.

ناامنی ها به سوی مرکز نیز امتداد یافته اند. ولایات شمالی و مرکزی که در طول سیزده سال گذشته از امن ترین مناطق کشور بوده اند، اکنون بحران را یکی پس از دیگری تجربه می کنند.

اما دولت، ناتوان از مهار بحران هاست. دولت افغانستان خود فرقی در بحران است و هر روز از گوشه ای بحرانی بر می خیزد

که در آن ناتوانی دولت آشکار است.

دولت در تقسیم میان دو گروه پیروز قرار دارد. این دو گروه که مرکب از گروه های دیگری است که در انتخابات در کنار هم تیم های انتخاباتی را تشکیل میدادند، از یک طرف در بین خود درگیر در اختلافاتی هستند و از سوی دیگر میان دو تیم نیز اختلافاتی بر سر تقسیم پست ها و امکانات وجود دارد که ماه وقت و امکانات دولتی را به خود مصروف ساخته است.

دولت نتوانسته بعد از ماه ها، وزارت دفاع را که وزارت کلیدی در مبارزه با ناامنی هاست، صاحب وزیر بسازد.

اولا تا همین ماه وزیر معرفی نشد. و ثانيا کسی که معرفی شده بود، سخت مورد انتقاد طرف مقابل بود و به همین خاطر نیز در اوج درگیری ها با طالبان، او نیز رای اعتماد از پارلمان نگرفت.

تغییر وزارت خانه ای که ماه ها بر سرپرست اداره شود، نمی تواند قوت و توانایی وداشتن برنامه و پلان منظم برای جنگ با طالبان باشد.

چهره متشتت و پراکنده از دولت افغانستان، هم در جنگ با طالبان و هم در معرفی برای افکار عمومی در کشور و جامعه جهانی، وضعیت جنگ را به سود طالبان تغییر داده است. دولت از خود چهره ای غیر منسجم و متشتت در اذهان عامه ترسیم کرده است و در مقابل طالبان با حمله های گروه های و پیاپی بر اهدافی معین چهره ای کوشا را در اذهان عمومی ثبت کرده است.

نتیجه عملکرد ضعیف دولت در اداره مبارزه منظم و دقیق علیه طالبان و حملات طالبان به صورت پیوسته بر شهرها و روستاهای کشور، تضعیف روحیه مردم خواهد بود که نتیجه آن در معاملات و بازارها در حال حاضر می بینیم.

دولت افغانستان حد اقل کاری که می تواند برای مبارزه جدی با طالبان داشته باشد، این است که از نگاه اعتبار وضعیت خود را حفظ کند.

دولت باید ثابت بسازد که در اراده، هزم و برنامه ریزی هیچ شک و تردیدی برای مبارزه با هر نوع ناامنی آماده است و مردم را بالا خواهد برد و اعتماد مردم به نیروهای امنیتی و دولتی را حفظ خواهد کرد.

نه تنها در روزهای اخیر، بلکه در سال های اخیر شاهد رویدادهای گوناگون و اشتباهات تکان دهنده در عرصه های مختلف از جمله تامین امنیت، مقابله با مخالفین، اجرای قوانین، اجرای عدالت و دادخواهی، تحقق پروژه های اقتصادی، انجام مسئولیت های قانونی و... بوده ایم. اما در پی بروز رویدادها و اشتباهات برای توجیه و گریز از مسئولیت پذیری بارها این واژه بکار برده شده است که « غفلت وظیفه ای» صورت گرفته است.

غفلت وظیفه ای شایع ترین و آسانترین واژگانی است که هرگونه کوتاهی و عدم انجام مسئولیت از سوی مسئولین ملکی و نظامی و امنیتی را توجیه نموده و آنان را از پی گرد قانونی و مجازات برائت کامل بخشیده و مسئولیت مادام العمری عطا کند. مهم ترین موردی که این واژه در مورد آن بکار برده می شود و به یک امر عادی و پذیرفته شده بدل شده است در عرصه امنیتی و انجام مبارزه با تروریست ها و طالبان جنایتکار می باشد.

واقع خونین جلریز از تازه ترین رویدادی است که در پی ریشه یابی این رویداد همواره از سوی حکومت و مسئولین امنیتی و نظامی گفته می شود که متاسفانه عدم هماهنگی و غفلت وظیفه ای صورت گرفته است! برای تفهیم و روشن ساختن موضوع به رویداد خونین جلریز استناد ورزیده و به توضیح آن می پردازیم. ولایت میدان وردگ از جمله ولایت های نزدیک به کابل پایتخت سیاسی کشور است. بخش های از این ولایت به صورت کلی نا امن و شاهد حضور نیروهای طالبان بوده و بخش های هم به صورت نسبی نا امن بوده است. هر سال در فصل بهار و تابستان، نا امنی در این ولایت و به خصوص در ولسوالی جلریز افزایش یافته و حوادث ناگوار گزارش داده می شود. چهارشنبه شب هفته گذشته گروه بزرگی از طالبان بر پوسته های مسیر راه میدان وردگ - بامیان حمله نموده و پوسته های امنیتی نیروهای پولیس محلی این ولسوالی را آماج قرار دادند. نیروهای امنیتی، حدود دو شبانه روز در برابر طالبان

جنایتکار جنگیده و مقاومت نمودند؛ اما سرانجام به دلیل عدم حمایت و کمک از ولایت و مرکز کشور پوسته ها سقوط نموده و شمار زیادی از نیروهای امنیتی به فیجیع ترین شکل جان خود را از دست می دهند. عمق فاجعه و جنایت طالبان و نیروهای خود سر و مسلح محلی به اندازه ای فحیح و تکان دهنده بوده است، هم چنین چگونگی وقوع این رویداد خونین بگونه ای پرسش برانگیز بوده است که در پی اعتراض های بسپار رئیس جمهور مجبور گردیده است برای بررسی آن یک هیات حقیقت یاب تعیین نماید. رئیس جمهور در اعلامیه خبری که در اختیار رسانهها قرار گرفت رویداد جلریز را «جنایت جنگی» خواند و آن را محکوم نمود. همانطور که گفته شد به دنبال وقوع رویداد خونین در ولایت میدان وردگ و تلفات نیروهای پولیس، فعالان مدنی در کابل تجمع اعتراضی آمیز برپا کردند و خواهان رسیدگی به این قضیه و برخورد جدی با عاملین و سبب سازان آن گردیدند.

رویداد خونین جلریز کم از کم چند مسئله را به خوبی روشن ساخت. نخست این که این رویداد یک فاجعه تکان دهنده برای کشور و حکومت می باشد. یعنی اگر هرکسی و نهادهای بخواهد این قضیه را سطحی جلوه دهد امری توجیه ناپذیر دانسته می شود. عمق این فاجعه به حدی است که همه وجدان های بیدار را تکان داده است. دوم این که این رویداد نشان داد که در حکومت وحدت ملی مسئولیت پذیری و نگرش ملی جایگاه و اعتبار و مقبولیت لازم و بایسته را ندارد. در ساختار حکومت حتا در چهار چوب نیروهای امنیتی نگاه قوم گراییه و خصمانه و تبعیض آلود وجود دارد. زیرا حادثه جلریز نخستین حادثه از نوع خود در طی چند ماه اخیر نمی باشد.

چنین رویداد خونین و تکان دهنده چندی قبل در بدخشان و قندوز نیز اتفاق افتاد. روی دادهایی که در آن سربازان جان برکف کشور بی رحمانه توسط طالبان جنایتکار و تروریست های خارجی کشته شدند. هم

چنین مقام های حکومتی و امنیتی برای پیشگیری از آن در حالی که فرصت و امکانات لازم را هم در اختیار داشتند اقدام نمودند. حال چرا؟ فقط بخاطر گرایش های خاص قومی و منطقه ای و وابستگی های سیاسی و استخباراتی. سوم عدم تعهد به قانون و حقیقت امر آنست که در حکومت گذشته و کنونی قانون و منافع ملی هیچگونه جایگاه و اعتباری را ندارد. آنچه اهمیت دارد منافع شخصی و قومی و منطقه ای است. در غیر این صورت با وقوع هراسناکهای نباید بار دیگر آن اشتباه تکرار گردد. شگفت و تکان دهنده تر از همه این است که مقام های رسمی کشور برای توجیه رویداد های یاد شده فقط یک کلمه را همیشه بر زبان می رانند و آن عدم هماهنگی و غفلت وظیفه ای!

غفلت وظیفه ای؛ فقط همین!

عبدالله هروی



قاطع صورت نگیرد و وقایع اتفاق افتاده به درستی بررسی نشوند، در آینده باید منتظر عواقب وخیم تری را برای کشور منتظر بود. طرح موضوع عدم هماهنگی و غفلت وظیفه ای نباید مانع از اجرای قانون مجازات در مورد خاطیان گردد. نباید با توسل به این داعیه راه خطا و خیانت را برای خیانت کاران بازگذاشت و وجود خیانت بارشان را از جنگ قانون مسئولیت بخشید. اگر وجدانی در کار می بود و قانون و حاکمیت جایگاه و ارزش لازم را میداشت مقام های امنیتی و حتا رئیس جمهور باید از مردم عنبرخواهی نموده و برخی از آنان استعفاي خود را پیش کش نموده و خود را در دادگاه نظامی معرفی می کردند. اما می بینیم که وقاحت و بی باوری به انسانیت و قانون به درجه ای رسیده است که خیانت کاران عمل نامطلوب خود را بنام غفلت وظیفه ای و یا عدم هماهنگی توجیه می نمایند.

وظیفه ای چند بار و در چه مواقع و شرایطی می توانند توجیه کننده وقوع جنایت و فاجعه باشند؟ با صد تاسف طرح مسئله عدم هماهنگی و غفلت وظیفه ای راه گزیری گردیده است برای آن دسته از مقام های مسئول که در واقع مرتکب خیانت ملی نسبت به مردم و حکومت و کشور گردیده اند. طرح ادعای عدم هماهنگی و غفلت وظیفه ای بهانه ای شده است برای آن عده از عناصر همسو با طالبان و تروریستان که در درون حکومت و نظام خود را مخفی ساخته اند. غفلت وظیفه ای پوششی گردیده است برای اعمال شیوه های تبعیض طلبانه و انتقام چوپانه. حوادث و رویدادهای اخیر در کشور، خصوصا در ماه های اخیر دقیقا نشانه های ضعف مدیریت و رسیدگی به امور نظامی و امنیتی در کشور می باشد. اگر برای رفع این ضعف جدی و خطرناک تدابیر و اقدام

ما به کجا می رویم؟

علی قادری

نیست. تجربه تاریخی ما نیز این مسئله را نشان می دهد. بنابراین، هم نخبگان سیاسی و هم مردم باید با درک این مسئله آگاه گردند که سقوط حکومت به نفع هیچ یک از گروه های اجتماعی نیست. اشتباه است اگر بپنداریم که با سقوط حکومت با سمت انتخابات دیگر می رویم و زمامدار بهتری را انتخاب

زیرا، سه قوه به مثابه یک سیستم می کند. تعطیل شدن یکی منجر به تعطیل شدن کل سیستم می شود. از این جهت، این ناسازگاری و یک دست نبودن قریه بر پیکره نیمه جان حکومت وحدت ملی است. نخبگان در رأس قدرت باید این خطر را جدی بگیرد. جدی نگرقتن منجر به سقوط حکومت شان می شود.

واکنش ها در برابر رویداد امنیتی در ولسوالی جلریز نشان داد که مردم از عملکرد حکومت و نخبگان سیاسی خشمگین و شدیداً ناراضی است. ناراضیاتی مردم به معنی تضعیف پایگاه اجتماعی حکومت و نخبگان سیاسی است. به هر میزان که پایگاه اجتماعی حکومت تضعیف شود به همان میزان،

پاسخ به سوال مذکور می باشیم. مهمترین باتی حفظ حکومت در وضعیت کنونی نیروهای امنیتی کشور است. رویداد های اخیر اما، نشان می دهد که نخبگان سیاسی اهمیت حضور نیرو های امنیتی را درک ننموده و به همین خاطر، هر روز سلاخی می شود. رویداد ولسوالی جلریز، ولسوالی وردج ولایت بدخشان و ولسوالی غازی آباد ولایت کنز از جمله رویداد های سخت و تکان دهنده امنیتی است که در آن سربازان و نیرو های امنیتی کشور سلاخی شده است. سلاخی شدن نیروهای امنیتی این مسئله را می رساند که نخبگان سیاسی در رأس قدرت اهمیت حضور و داشتن نیروهای امنیتی را درک نکرده است.

امروزه، برای تمام شهروندان کشور این سوال مطرح است که افغانستان به کدام سمت روان است؟ در بیش از یک دهه گذشته شاید این سوال در ذهن شهروندان وجود داشت اما، ناامنی ها و کشت و کشتار کمتر اتفاق می افتاد به همین خاطر، سوال مذکور در ذهن شهروندان ته نشین شده بود. کمتر کسی به صورت جدی این سوال را مطرح می کرد. اکنون اما، وضعیت دگرگون شده است. همه در فکر حفظ خود و بهبود آینده است. این سوال برای مردم دنیا مهم و اساسی است. اما برای شهروندان افغانستان که سال ها جنگیده اند و درد و رنج کشیده اند جدی تر است. در نوشتار کنونی با بررسی فاکت ها تأثیر گذار بر اوضاع و احوال سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در صدد



می کنیم. جامعه جهانی دیگر، هزینه برگزاری انتخابات را نخواهد پرداخت. از این جهت، سقوط به معنی آغاز جنگ خواهد بود. در اخیر یک بار دیگر، باید متذکر شوم که تنها گذاشتن نیرو های امنیتی در میدان جنگ و حمایت نکردن از آن ها پایان عصر حکومت وحدت ملی را به پیش می اندازد. زیرا، حفظ حکومت منوط به نیروهای امنیتی آن است. گروه طالبان، داعش و حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار دشمنانی است که در فردای سقوط حکومت به قدرت چشم دوخته اند. روی کار آمدن هر یک از این ها به سود مردم افغانستان و منطقه و جهان نیست. در وضعیت کنونی، می طلبد که حکومت و نخبگان سیاسی از نیروهای امنیتی خود حمایت قاطع نماید. حمایت قاطع به معنی روبرو کردن آن ها با گروه طالبان و خود سر میز صلح نشستن نیست. بلکه حمایت قاطع روحیه و تجهیزات دادن و رساندن به میدان جنگ و قطع کامل گفتگو های صلح است.

همه این فاکت ها بر وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ما تأثیر گذار است. نخبگان سیاسی باید با واقعیت ها کنار بیایند. عملکرد قومی خود را کنار بگذارند و به صورت صادقانه و به دور از تعصبات قومی، مذهبی و زبانی عمل نمایند. برای عبور از وضعیت بهترین و اساسی ترین مسئله توجه به نیرو های امنیتی و بالا بردن ظرفیت و روحیه سربازان است. حمایت باید قاطع و دوام دار باشد. در کنار این مسئله به خاطر، کاهش ناراضیاتی مردم رفتار های را روی دست بگیرد که بر زندگی روزمره مردم تأثیر گذار باشد. این مسئله می تواند خشم و همبستگی مردم را فرو بکاهد. در نهایت، رفتار های به دور از مسائل قومی منجر به کاهش تنش در سطح جامعه میان گروه های مختلف می شود. این مسئله فرصت بازسازی و انباشت نیرو را برای حکومت فراهم می کند تا بتواند از حمایت های مردم در راستای سیاست ها و استراتژی های خود استفاده نماید. همان طور که در بالا متذکر شدم سقوط حکومت و خلاء قدرت به سود هیچ کس

عمر حکومت کاهش می یابد و به بر تگاه سقوط نزدیک می شود. اشتباه است اگر بپنداریم که حکومت و نخبگان سیاسی نیازی به حمایت های مردم ندارد. حکومت مشروعبت، اقتدار، حاکمیت خود را از مردم می گیرد. ناراضیاتی مردم به معنی کاهش مشروعبت، خدشه دار شدن حاکمیت و خارج شدن قدرت از چارچوب قانون است. در آن صورت، هیچ راهی برای ادامه حکومت و نخبگان سیاسی باقی نمی ماند. از این جهت، باید گفت که ادامه ناراضیاتی آن را به حد انفجار می کشاند و بسیج مردم علیه حکومت را در پی خواهد داشت و در نهایت حکومت سقوط خواهد کرد. مسئله دیگر، یک دست نبودن حکومت است. در واکنش به رویداد ولسوالی جلریز ولایت میدان وردگ مجلس سنا برای یک روز تعطیل شد. تعطیل شدن مجلس سنا چیزی جز مخالفت و ناسازگاری با قوه مجریه نیست. با توجه به قانون اساسی کشور حکومت متشکل از سه قوه است. تعطیل شدن یک قوه به معنی به تحلیل رفتن حکومت است.



کارتون روز

بدون شرح

Footer section containing contact information for The Daily Afghanistan, including phone numbers, email addresses, and social media links. It also features the Outlook Afghanistan logo and a list of board members.